

## فساد سیستمی و فرار از عدالت: بررسی عنوان مجرمانه کلاهبرداری قضایی

میثم مهری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق مالکیت فکری پردیس فارابی دانشگاه تهران، وکیل پایه یک دادگستری

دکتر مهران خوش سلوک

دکتری حقوق، عضو هیات علمی Methodologica Governance University فرانسه، وکیل پایه یک دادگستری

### چکیده

در جامعه مدنی، مردم، با یکدیگر و در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و به طور یقین، هر فرد مسئولیت‌هایی دارد که در روابط قضایی افراد تأثیرگذار بوده و در صورت عدم ایفای مسئولیت، اولین زیان‌دیده، شخص مسئول خواهد بود. یکی از این معضلات ادوار اخیر که در جامعه جهانی گسترش یافته و قلمرو آن نیز مختص به کشور یا قلمرویی خاص نیست؛ «فساد اداری» است. امروزه گستره این فساد بیش از سایر جرایم و بسیار ملموس‌تر و دارای ماهیت چند وجهی است. فساد اداری به عنوان پدیده‌ای جهانی در تمام ابعاد زندگی انسان نفوذ کرده است و هرروز به شکل‌های متنوعی، آثار و عواقب خود را بر افراد تحمیل می‌کند. حتی کسانی که خود مرتکب چنین رفتارهایی می‌شوند، انبهایه، قربانی شرایطی گشته که آنان را احاطه و در دام خود گرفتار کرده است. فساد اداری از جمله مولفه‌هایی است که نه تنها در امور اداری، تخلف و امری ناپسند تلقی می‌شود؛ بلکه، در ابعاد کلان آن به عنوان مانعی برای رشد و پیشرفت جوامع نیز به شمار رفته و آثاری از خود به جا می‌گذارد که توسط قانونگذار، جرم‌انگاری شده است. از این رو نظام‌ها و جوامع مختلف با ریشه‌یابی و وضع قوانین کیفری درصدد مقابله با آن برآمده‌اند. مصادیق فساد اداری متعدد بوده و پدیده‌هایی چون «کارچاق‌کنی» و «واسطه‌گری» در انجام امور اداری و قضایی، در اغلب دستگاه‌های اداری، دولتی و قضایی نفوذ کرده است. لذا نیازی ملموس، ما را بر آن داشت تا در این پژوهش، به یکی از مصادیق مجرمانه فساد اداری پرداخته شود و پدیده مجرمانه «کار چاق‌کنی» و مرتکبین آن با عنوان «کلاهبرداران قضایی» مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد و مجازات هریک از مرتکبین، با توجه به نوع جرم ارتكابی بیان گردد.

کلمات کلیدی: کار چاق‌کنی، واسطه‌گری، کلاهبرداران قضایی، فساد، جرم

## ۱. مقدمه

آفتی که سابقه طولانی در فساد دستگاه‌های اداری و قضایی داشته و شاید نتوان زمان دقیقی برای شروع این فعالیت‌های مجرمانه یافت؛ مصادیق مختلف «فساد اداری» می‌باشد. بررسی فساد اداری کارکنان در ادارات و سازمان‌ها، از دیدگاه «تخلفات اداری» مورد مذاقه قرار می‌گیرد که خروج موضوعی از بحث اخیر داشته؛ چرا که فساد اداری در این مقوله از منظر حقوق جزا و در قالب «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. تخلف اداری مستوجب تنبیه انضباطی و جرم، مستوجب مجازات خواهد بود.

در این کوتاه سخن نمی‌توانیم به تمامی مصداق‌های فساد اداری اشاره نماییم چرا که به دلیل تعدد مصادیق، ذکر همه موارد در این بحث نمی‌گنجد زیرا عناوین فساد اداری آنقدر گسترده شده که قابل بحث در کتب عدیده خواهد بود. اما از مهم‌ترین سر فصل‌های فساد اداری که نه تنها کشورمان، بلکه بسیاری از کشورهای جهان با آن دست به گریبان می‌باشند؛ می‌توان به فساد اداری و مالی و مصادیق آن از قبیل: «اختلاس، ارتشاء، کار چاق کنی، کلاهبرداری، رانت خواری، پولشویی، اخاذی، بازار سیاه، تبانی، فرار مالیاتی، خویشتاوند سالاری، کاغذ بازی، تقلب، دزدسالاری، رسوایی سیاسی، رسوایی جنسی، اعمال نفوذ ناروا، دارا شدن غیرقانونی و غیره» اشاره نمود و ملاحظه می‌نمایید که به جرایمی اشاره شده است که فضای همه دستگاه‌های دولتی و قضایی را فاسد و آلوده نموده و برای ریشه کن نمودن آنها نیاز به عزم ملی می‌باشد.

آنچه مدنظر نگارندگان این مقاله بوده، بیانی مختصر از فساد اداری و راه‌های مقابله با آن و سپس بحث و بررسی پیرامون مصداقی از مصادیق متعدد و سرطان گونه فساد اداری است که در قالب «کار چاق کنی» بررسی خواهد شد و عنوان «کلاهبرداری قضایی»، از سال ۱۳۹۳ به نظر نگارندگان برای مرتکبین و مجرمین این جرم، عنوان و واژه مناسبی می‌باشد و جای بسی افتخار است که اساتید و همکاران محترم نیز از این واژه در آثار سال‌های اخیر خود استفاده نموده‌اند.

### ۱.۱. پیشینه پژوهش:

در بحث فساد اداری و مبارزه با آن پژوهش‌های متعددی انجام شده که بخش عمده‌ی این پژوهش‌ها توسط دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی انجام شده است، لیکن در خصوص پدیده کار چاق کنی، تحقیق منسجم و قابل تأملی وجود نداشته و در این پژوهش سعی بر آن است که مصداق ویژه‌ای از مصادیق فساد اداری مورد بحث و آسیب شناسی قرار گرفته و در پایان، پیشنهاداتی ارائه گردد.

### ۱.۲. روش پژوهش:

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی بوده که ضمن توصیف و آسیب شناسی به تحلیل مصادیق پرداخته، در پایان راهکارهایی اجرایی پیشنهاد شده است.

## ۲. تعاریف و کلیات:

### ۲.۱. فساد اداری:

در تعریف فساد اداری، می توان به تعریف بانک جهانی<sup>۱</sup> و سازمان شفافیت بین المللی<sup>۲</sup> اشاره نمود. در این تعریف آمده است: "فساد، سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) در جهت کسب منافع شخصی (خصوصی) می باشد". از دیدگاه دیگر نیز می توان فساد اداری را نقطه مقابل مصالح و منافع عمومی جامعه دانست زیرا از جمله فعالیت های مجرمانه کارکنان و مدیران دولتی است که به منافع عمومی جامعه لطمه رسانده و به هدف سود رسانی به کارمند مجرم یا شخص ثالثی است که مجرم یاد شده را اجیر خود نموده است.

همچنین در تعریف «فساد» که با موضوعیت «فساد اداری» به موضوع نگریسته؛ آمده است: «فساد از لحاظ لغوی، به معنای تباهی و در هم شکستن یک مجموعه و از لحاظ اصطلاحی، به معنای بدکاری صاحب منصبان از موقعیت دولتی برای مقاصد شخصی است. (امیری، ۱۳۹۶).

در تعریف دیگری که از فساد در بانک جهانی ذکر شده می توان به تعریف اخیر اشاره کرد: «فساد عبارت است از سوء استفاده از اختیارات دولتی برای کسب منافع شخصی» (حاجیان، ۷۹).

ریشه واژه «فساد» در زبان فرانسه از لغت la Corruption برگرفته شده که معادل واژه لاتین آن Corruption بوده و در فرهنگ حقوقی، شاید بتوان تعریف جامع تری از آن بدین شرح عنوان کرد: «عمل انجام دادن برخی کارها، به هدف دادن برخی امتیازات در تناقض با وظیفه کارمند و حقوق دیگران؛ سوء استفاده کارمند یا امین از مقام و موقعیت برای ایجاد منافع، خواه برای خود یا دیگری برخلاف حقوق سایرین» (Garner, 2004).

عبارت Administrative corruption<sup>۳</sup> در این مقاله به عنوان «فساد اداری» مورد استعمال قرار گرفته تا تخصیصی بر مفهوم عام فساد باشد.

فساد موضوع بحث این مقاله، در زبان عربی از «فسد، یفسد، فساداً» برگرفته شده و واژه «فسد» و مشتقات آن در ۴۹ آیه از آیات شریفه قرآن کریم استعمال شده است که در سوره های مبارکه «مطففین (کم فروشان)، بقره، روم، قصص، شعرا، یوسف، مائده، یونس، هود، ص، انبیاء و اعراف» مصادیق آن قابل مشاهده می باشد. «فساد» در قرآن و لغت، نقطه مقابل «صلاح» بوده و به هرگونه تخریب و ویرانگری گفته می شود. به گفته راغب در مفردات: «فساد هرگونه خارج شدن اشیاء از حالت اعتدال است، کم باشد یا زیاد، و نقطه مقابل آن صلاح است و این در جان و بدن و اشیائی که از حد اعتدال خارج می شوند تصور می شود».

باتوجه به عدم جرم انگاری جرم فساد اداری در صدر اسلام (در کتاب و سنت) و از آنجایی که این عنوان مجرمانه در ادوار بعدی جرم انگاری شده است، لذا آنچه از فساد در آیات شریفه قرآن کریم مشاهده می شود، نادرستی در کیل و وزن کردن در معاملات بوده و به همه مصادیق افراط و تفریط در مسائل فردی و نابسامانی ها در کارها اطلاق دارد. در بعد جزایی نیز، در قرآن کریم به عنوان گناهان «کوچک، بزرگ و فوق العاده بزرگ» تعبیر شده و در برخی از آیات قرآن واژه «افساد فی الارض» استعمال شده که جرم اخیر، در قوانین موضوعه جزایی کشورمان نیز با پیروی از فقه مبین اسلام، جرم انگاری شده و دارای شدیدترین مجازات ها می باشد.

## الف) مصادیق فساد اداری:

<sup>1</sup> World Bank

<sup>2</sup> Transparency International

<sup>3</sup> Corruption administrative (French)

مهم‌ترین مصادیق فساد اداری در درون ادارات و سازمانهای دولتی را می‌توان در موارد ذیل مشاهده نمود:

- ۱- اختلاس و سوء استفاده‌های مالی.
- ۲- اخذ رشوه و زیر میزی از ارباب رجوع و اخاذی از مراجعین جهت انجام امور اداری آنان.
- ۳- ترویج فرهنگ غلط و مجرمانه "رابطه" به جای "ضابطه" و پارتی بازی در ادارات و سازمان‌ها.
- ۴- کار چاق کنی و کلاهبرداری.
- ۵- سوء استفاده افراد از موقعیت شغلی یا مدیریتی خود در تعامل با سایر افراد اعم از ارباب رجوع و مدیران و مسئولان سازمان‌های دیگر.
- ۶- کم فروشی کاری برخی از کارکنان در ساعات کاری به دولت و ارباب رجوع و تبعیض در برخورد با مراجعین.
- ۷- استفاده شخصی از امکانات دولتی.
- ۸- صرف نمودن ساعات اداری برای انجام امور شخصی و غیر اداری.
- ۹- استفاده از امکانات سازمانی برای پیشبرد اهداف سیاسی توسط کارکنان یا مدیران عالی رتبه سازمان‌ها.
- ۱۰- ارائه گزارشات کذب و غیر واقعی از عملکرد در امور محوله سازمانی.
- ۱۱- پولشویی، تقلب، فرار مالیاتی و بازار سیاه.
- ۱۲- تبانی با طرف دیگر پرونده در جهت عدم انجام امور مربوط به ارباب رجوع.
- ۱۳- خویشاوند سالاری در جذب، استخدام و به کارگیری کارکنان و انتساب خویشان و آشنایان در مشاغل مختلف و در برخی موارد دزدسالاری.
- ۱۴- بروکراسی غلط اداری و کاغذ بازی در جهت تأخیر در انجام امور مراجعین.
- ۱۵- رسوایی سیاسی و یا حتی رسوایی‌های جنسی در محل کار و سایر مواردی که از حوصله این بحث خارج است.

#### ب) مهم‌ترین علل فساد اداری:

- ۱- عوامل اقتصادی: از قبیل: "پایین بودن سطح حقوق و مزایای کارکنان، بالا بودن هزینه‌های متعارف و جاری زندگی، بالا بودن تورم در سطح جامعه، عدم ثبات تورم و قیمت‌ها در سطح جامعه، بالا بودن هزینه تحصیل فرزندان و اعضای خانواده، گران بودن هزینه‌های درمانی و پزشکی و سایر موارد مرتبط با عوامل اقتصادی".
- ۲- عوامل فردی: از قبیل: "فقدان وجدان کاری، زیاده خواهی، عدم پایبندی به اصول ارزشی و مقدسات و عدم اعتقاد به اصول مذهبی، اعتقاد به سوء استفاده از امکانات اداری و سازمانی، تمایل به اسراف و بی‌توجهی به حفظ و صیانت از بیت المال، انحطاط اخلاقی و شخصیتی، اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و سایر عوامل".
- ۳- عوامل اجتماعی: از قبیل: "از بین رفتن قبح بسیاری از جرایم و مصادیق گناه، همکاری با کارکنان فاسد و تأثیر پذیری و الگو برداری از ایشان، ترویج برخی از جرایم مانند: رشوه، اختلاس و غیره".
- ۴- عوامل قضایی، اداری و مدیریتی: از قبیل: "عدم نظارت مستمر بر رفتار کارکنان، برخوردهای مقطعی و گذرا با کارکنان متخلف، عدم برخورد قضایی مناسب و به موقع با کار چاق کنان و ترویج مصادیق جرم که در قانون برای آنها مجازات تعیین شده است".

#### پ) مبارزه با فساد با رویکرد مبارزه با فساد در قوه قضاییه:

آخرین تصویب نامه بین‌المللی که در خصوص مبارزه با فساد به تصویب رسیده است، "کنوانسیون مبارزه با فساد" بوده که در دسامبر سال ۲۰۰۳ در سازمان ملل تصویب شده است. ایران نیز در سال ۱۳۸۷ به عضویت این کنوانسیون در آمده و در سال ۱۳۸۸ نیز عضویت در این کنوانسیون به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان رسیده است.

برای مبارزه با فساد در کشور، به نظر می‌رسد باید این مبارزه از درون دولت و قوه قضاییه آغاز گردد. اگر ادارات و سازمان‌های دولتی عاری از فساد اداری گردند، می‌توان امیدوار بود که با از بین رفتن فساد اداری و جرایم مختلف در ادارات، جامعه نیز به تبعیت از آن عاری از بسیاری از جرایم گردد و یا اگر این مبارزه را از درون قوه قضاییه آغاز نماییم، بسیاری از مصادیق فساد اداری که پیش‌تر به آن اشاره شد از بین خواهد رفت؛ همچنین لازم است با مصادیق مجرمانه در درون دستگاه قضایی با جدیت و شدت، برخورد و مقابله شود چرا که همگان انتظار دارند، مرجعی که خود، مسئول مبارزه با جرایم در سطح جامعه است، باید عاری و مصون از تخلفات و جرم‌های مختلف بوده تا بتواند در تظلم خواهی مردم، حق را به صاحبان آن بازگردانده و مردم به عدالت محوری آن ایمان آورده و دلگرم شوند. لذا لازم است با جرایمی چون کارچاق‌کشی، ارتشاء، کلاهبرداری و سایر جرایمی که علی‌الخصوص در قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۵/۰۳/۲۱ به آنها اشاره شده است؛ در سطح قوه قضائیه برخورد مستمر و قاطع شود و بدنه این قوه را تطهیر داد تا ادعای عدالت محوری این قوه به منصفه ظهور برسد. لذا چنانچه دستگاه‌ها و سازمان‌های مجری در جامعه عاری از تخلف گردند مردم نیز به قوای سه‌گانه کشور اعتماد نموده و در سایه این اعتماد، جامعه رو به سلامت خواهد رفت.

و اما "وزارت دادگستری" که متولی اجرای "کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل" در کشور بوده و "ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی" که مسئولیت سیاست‌گذاری و مبارزه با مفاسد اقتصادی و اداری در کشور را عهده دار است به تنهایی و بدون همیاری سازمان‌های بازرسی کل کشور و تعزیرات حکومتی و همچنین بدون تصویب ردیف و سرفصل بودجه جهت این اقدام ملی، به طور یقینی نتوانند یافت. ضمن آنکه قوه قضائیه نیز با تسریع در روند رسیدگی به جرایم و تخلفات اقتصادی و صدور حکم مجرمین و متخلفین، پس از قوه مجریه، بیشترین مسئولیت را در این خصوص عهده دار است. از سوی دیگر اقدامات قوا و سازمان‌های مذکور در صورتی بازخورد مناسب خواهد داشت که بستر شناسی صحیح در جامعه صورت گرفته و عزم ملی برای مبارزه با فساد در سطح کشور ایجاد گردد.

از دیگر اقدامات شایسته در راستای ترغیب افشاگران در راستای کشف و افشای فساد، کلیات طرح یک فوریتی حمایت مالی از افشاگران فساد در جلسه علنی روز یکشنبه (۲۱ اسفند ۱۴۰۱) مجلس بوده، که کلیات این طرح با ۱۲۳ رای موافق، ۴۶ رای مخالف، ۸ رای ممتنع از مجموع ۲۱۶ نماینده حاضر در مجلس تصویب شد. این طرح ۱۷ ماده دارد و در آن به مواردی همچون فرآیند دریافت گزارش فساد و شروط برخورداری از پاداش اشاره شده است. (اندیشکده شفافیت برای ایران، ۱۴۰۱)

#### ت) پیشینه تقنینی:

حوزه مبارزه با فساد از دهه ۹۰ میلادی به بعد به حوزه تخصصی میان رشته‌ای تبدیل شده است و ذیل ادبیات نظری «حکمرانی خوب» ازجمله مهمترین ویژگی این حاکمیت‌ها تلقی می‌شود.

کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ به تصویب مجمع علنی آن رسیده است. این مهمترین سند بین‌المللی در حوزه مبارزه با فساد است. ایران نیز در سال ۱۳۸۸ به این کنوانسیون پیوسته است و نهادهای به منظور پیگیری این سند، تحت عنوان «مرجع ملی کنوانسیون مبارزه با فساد» در سال ۱۳۸۹ تأسیس کرده است. لازم است ذکر شود که الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب جلسه علنی مورخ ۱۳۸۵/۰۳/۲۱ مجلس که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی

تقدیم و مطابق اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام ارسال شده بود، اما در نهایت پیوستن رسمی ایران به این کنوانسیون تا سال ۱۳۸۸ به طول انجامید.

اولین نهادی که به طور متمرکز در ایران برای مبارزه با مسئله فساد تشکیل شد «ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی و مالی» است. این نهاد پس از فرمان «۸ ماده‌ای» رهبری تأسیس شد و نمایندگان از قوای سه گانه در آن حضور دارند.

کشور سنگاپور که فرآیند توسعه را در نیمه دوم قرن ۲۰ آغاز کرده است، اولین کشوری است که از نهادهای مبارزه با فساد در سال ۱۹۵۲ بهره‌مند شده است. تجربه موفق این نهاد که تحت عنوان «اداره تحقیقات-اقدامات فساد» مشغول به فعالیت بود به دلیل موفقیت در زمینه کنترل فساد در این کشور سبب گسترش نهادی مبارزه با فساد در کشورهای دیگر در حال توسعه شد. هنگ کنگ نیز در سال ۱۹۷۴ در اوج مسیر توسعه تجربه موفق را در مبارزه سازمانی با فساد در «کمیسیون مستقل مبارزه با فساد» داشت، اما عمده فرآیند مبارزه با فساد در قالب فعالیت‌های نهادی را در کشورهای مختلف باید در دهه ۹۰ میلادی و اوایل قرن ۲۱ جست و جو کرد. پیگیری‌های مجمع عمومی سازمان ملل از ابتدای دهه مذکور از کمیسیون پیشگیری از جرائم و غرامت کیفری سبب شد این کمیسیون در مسیر مبارزه با فساد به شکل مستقل پیشنهاد تصویب کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد را کلید زد. این موضوع پس از کش و قوس‌های فراوان، نهایتاً در سال ۲۰۰۳، به تصویب مجمع عمومی رسید و کشورهای بسیاری به آن پیوسته‌اند. ایران نیز دو سال پس از تصویب این کنوانسیون از سال ۱۳۸۴، فرآیند پیوستن به آن نهادهای حاکمیتی شفافیت و مبارزه با فساد در ایران را آغاز کرد و نهایتاً با تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۷ آن را به پایان بردند. (دایره المعارف مبارزه با فساد، ۱۳۹۷)؛ (نهادهای حاکمیتی شفافیت و مبارزه با فساد در ایران، ۱۳۹۷).

## ۲.۲. کار چاق کنی / کار چاق کن (کارچاقکن):

در لغت نامه دهخدا، از واژه کار چاق کن، با عبارات: «دلال؛ آنکه کار را روبراه کند» تعبیر شده است که به نظر می‌رسد به بعد مجرمانه عمل توجهی نشده و بیشتر مفهوم «دلال» را مدنظر قرار داده است. لیکن در فرهنگ لغت عمید، در این خصوص آمده است:

«۱. واسطه معامله، دلال.

۲. کسی که معمولاً با گرفتن رشوه کاری را رو به راه می‌کند» که به نظر می‌رسد تعریف دوم در فرهنگ عمید با منظور نگارندگان در این مقاله نزدیک‌تر بوده و با معنای ثانویه و رایج این واژه در جامعه، قرابت بیشتری دارد.

رویکرد نگارندگان در این مقاله نیز، بررسی «کار چاق کنی» به عنوان یک «پدیده مجرمانه» بوده که کلاهبرداری، سوء استفاده از مقام و منصب، جعل عناوین مشاغل قضایی و غیره را که از مصادیق فساد اداری می‌باشند، در برداشته و تخصیصی ویژه بر فساد اداری و همچنین کار چاق کنی در معنای عام خود بوده و به بررسی کار چاق کنی در دستگاه قضایی می‌پردازد.

در سایت آقای مرصاد پوراعتضاد، وکیل محترم دادگستری، عبارت زیبایی در تعریف کارچاقکن مشاهده می‌شود که بیان آن خالی از لطف نیست: «کارچاق کن در لغت به معنی «دلال، واسطه و کسی است که با گرفتن رشوه، کار مردم را راه می‌اندازد». چنین افرادی با میانبرهای بعضاً قانونی و یا سوء استفاده از خلاء در قانون و نفوذ خاموش در یک یا چند نهاد

نقش واسطه را برای پاسخگویی سریع و مورد نظر به درخواست ارباب رجوع بازی می‌کنند. اگرچه مقابله با پدیده ناپسند «کارچاق کنی» به عنوان یکی از مصادیق فساد اداری همواره مورد تاکید قرار داشته است، اما فعالیت سودجویانه برخی افراد با عنوان کارچاق کن، با ادعای آشنایی به چم و خم قوانین و تسهیل امور ارباب رجوع، در برخی دستگاه‌های دولتی همچنان ادامه دارد. (bartarlawyers.com)

تعریف دیگری از کارچاق‌کنانی که فضای دستگاه قضایی را آلوده نموده‌اند، نظر نگارندگان را به خود جلب نمود که بیان آن نیز مفید به فایده است. در این تعریف آمده است: «کارچاق‌کن فردی است که سر راه افراد ساده دل و ناآگاه در دادرها و مجتمع‌های دادگستری قرار می‌گیرد. این دلال‌ها با دادن وعده‌های واهی و پوشالی و با توسل به شیوه‌های متقلبانه پول-های هنگفتی را از افراد جهت گرفتن نتیجه و حکم مطلوب می‌گیرند. اغلب افراد مراجعه کننده به دواير دولتي و دستگاه قضایی به دليل عدم آگاهی در این دام گرفتار می‌شوند. زمانی افراد به خود می‌آیند که نه تنها نتیجه مطلوب را نگرفته‌اند بلکه در دادگاه نیز محکوم شده‌اند. همچنین این افراد تمام دارایی‌های خود را در این راه از دست داده-اند» (rahjooyan.org).

پدیده «کارچاق‌کنی» و «واسطه‌گری» در انجام امور اداری و قضایی، جرمی نوظهور نبوده؛ هرچند که زمان تولد این پدیده مجرمانه در این مقوله مهم نیست؛ ولیکن، آنچه که دارای اهمیت می‌باشد، گسترش روزافزون این جرم و مجرمین آن در اغلب دستگاه‌های دولتی، اداری و قضایی است که فضای دستگاه‌های اجرایی و علی‌الخصوص دستگاه قضایی را آلوده نموده و در بافت طبقات مختلف اداری نیز رسوخ کرده و مسیر حرکت سازمان‌ها و دستگاه صالحه قضایی را به سوی فساد اداری و انحطاط تغییر داده است. این پدیده مجرمانه، به تنهایی و یک تنه فضای دستگاه قضایی کشورمان را مسموم نموده و دید عامه را نسبت به قوه قضاییه و محاکم تابعه، خدشه دار ساخته است تا جایی که بسیاری از مراجعین به محاکم، به دنبال یافتن «رابطه» جهت اخذ حکم هستند و «ضابطه» و همچنین «علم حقوقی» و کلاً را جهت اخذ آرا، شرط لازم و کافی نمی‌دانند.

فردی که برای اخذ مجوز از اداره یا سازمانی اقدام نموده است، برای اینکه پروسه اداری را سریع‌تر طی کرده و به عبارتی دیگر این مسیر را دور بزند، به راحتی در دام کارچاق‌کن‌ها گرفتار خواهد شد و بدتر از آن وقتی است که کار اداری وی به واسطه این مجرمین در مدت زمان کوتاه‌تری انجام شده و همین عامل باعث می‌گردد که آن فرد، دیگران را نیز به این مجرمین معرفی نموده و نه تنها در وقوع جرم شراکت می‌نماید، بلکه آب در آسیاب این دسته از مجرمین می‌ریزد. متأسفانه این پدیده مجرمانه در دستگاه قضایی، با سرعت سرسام‌آوری نفوذ و رسوخ کرده و رشد روزافزون این غده سرطانی، افراد بسیاری را قربانی خود نموده است. تأسف بارتر آنکه، برخی از کارچاق‌کنان با استفاده از برخی کارکنان و عوامل فاسد قضایی به نتیجه مورد نظر فرد قربانی هم می‌رسند اما با انجام چندین جرم و آلوده کردن چندین نفر.

#### الف) کارچاق‌کن‌ها یا «کلاهبرداران قضایی» خود را چگونه معرفی می‌کنند؟

این گروه از مجرمین با خوشرویی و روابط عمومی قوی خود را به قربانیان نزدیک نموده و با ادعاهای واهی، قربانیان خود را به دام می‌کشاند. از مهمترین مصادیق ادعاهای واهی آنان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- آشنایی و دوستی صمیمی و نزدیک با قضات یا شخص قاضی خاصی که مسئول رسیدگی پرونده شخص قربانی می‌باشد.

۲- آشنایی و دوستی با مدیران دفاتر دادگاه‌ها و دادرها و سایر کارکنان اداری در مجتمع‌های قضایی.

۳- معرفی خود به عنوان قاضی بازنشسته یا مقام قضایی بازنشسته مانند دادستان شهرستان یا رئیس دادگستری

شهرستان‌ها و یا سایر عناوین قضایی



۴- معرفی خود به عنوان وکیل با سابقه دادگستری.

۵- معرفی خود به عنوان مدیر موسسه حقوقی معروف و معتبری که چند وکیل در استخدام آن می باشند.  
 این گونه افراد با ظاهری بسیار آراسته و موجه با قربانیان خود برخورد نموده و با چرب زبانی، اعتماد آنان را جلب می نمایند.

#### ب) دسته بندی کلاهبرداران قضایی (کارچاق کنان):

این مجرمین در سه گروه کلی و کاملاً مجزا فعالیت می نمایند.

گروه اول: کسانی که هیچگونه ارتباطی با قضات، مدیران و یا کارکنان شعب نداشته و به طور محض، کلاهبردار محسوب شده چرا که ایشان ضمن ادعای ارتباط با افراد یاد شده، به قربانیان خود وعده های واهی داده در حالیکه هیچ پل ارتباطی با آنان ندارند.

اینگونه از مجرمین، پس از اخذ وجه از قربانیان، یا متواری می گردند و یا پس از چندین نوبت گزارش کذب از روند رسیدگی به پرونده و چگونگی نزدیک شدن به حکم مورد نظر، از قربانیان خود اخذ وجه نموده و قبل از صدور حکم و رو شدن دستشان، متواری می شوند.

این مجرمین معمولاً دفتر کار مشخص و یا محل فعالیت ثابت و خاصی نداشته و به طور معمول، ملاقات های خود را در محل کار قربانیان و یا محلی که ایشان تعیین می کنند، برگزار می نمایند.

تا قبل از متواری شدن، در هر شرایطی پاسخ تلفنی قربانیان را داده و به زبان عام، همیشه در دسترس می باشند و از این طریق نیز اعتماد کامل طعمه های خود را جلب می کنند و قبل از صدور حکم و اخذ وجه در چندین نوبت، با فروختن، سوزاندن یا خاموش کردن خط تلفن همراه خود، امکان هر گونه دسترسی به خود را از بین می برند.

این گروه از کلاهبرداران قضایی، قرارهای خود را در ساعات کار دادگاه ها، در مقابل مجتمع های قضایی می گذارند و معمولاً زودتر در مجتمع حاضر شده و در زمانی که اطمینان دارند که طعمه مورد نظر در مقابل مجتمع قضایی حضور داشته و منتظر وی می باشد، از مجتمع قضایی خارج شده و اقدام به دادن گزارش کذب از روند رسیدگی به پرونده می نمایند.

این افراد اگر دارای محل فعالیت موقت هم باشند، در صورت صدور اتفاقی حکم به نفع قربانی، مابقی حق الزحمه مجرمانه خود را می گیرند و چنانچه حکم به ضرر قربانی صادر گردد با امیدوار کردن وی به نقض حکم و تغییر آن در مراحل بعدی دادرسی، وی را دست به سر کرده و در فرصتی مناسب، محل فعالیت خود را تغییر می دهند.

گروه دوم: کلاهبرداری که با مدیران یا کارکنان شعب ارتباط داشته و یا ندرتاً با قاضی پرونده مورد نظر ارتباط دارند.

این گروه از کلاهبرداران قضایی، به طور معمول دارای دفتر کار مشخص بوده و قرارهای ملاقات با قربانیان را در دفتر کار خود تنظیم می نمایند. دفتر کار اینگونه افراد معمولاً با نام موسسات حقوقی خودنمایی کرده و این در حالی است که قانوناً افرادی که وکیل رسمی دادگستری نیستند، اجازه دایر نمودن دفاتر حقوقی را نداشته ولی نقص قانون ثبت شرکت ها در این خصوص، برخی از کلاهبرداران را صاحب دفتر و موسسه حقوقی و مشاوره نموده است که این مهم، یکی از دلایل فعالیت آزادانه این گروه از کلاهبرداران را ایجاد کرده است.

این دسته از مجرمین، معمولاً دفتر کار شلوغ و پر رفت و آمدی داشته و همکاران خود را گروه وکلا، گروه قضات، مأموران عالی رتبه نظامی و انتظامی و مأموران و مدیران سازمان های اطلاعاتی معرفی و این همکاران را افرادی ذی نفوذ در مراجع قضایی معرفی می نمایند و ادعا می کنند که هر گونه پرونده ای را در دستگاه قضایی به سرانجام رسانده و رای مورد نظر را برای قربانی اخذ می نمایند. از آنجائی که برخی از کارکنان فاسد شاغل در دستگاه قضایی نیز با این افراد ارتباط داشته و از آنان رشوه دریافت می نمایند، توفیقاتی نیز در جریان رسیدگی به پرونده حاصل شده که این موضوع برای افراد قربانی به منزله اثبات ادعای کلاهبرداران در اخذ رای می باشد.



در دفتر کار این کلاهبرداران، با فرد قربانی عقد قرارداد شده و بر اساس آن قراردادها، مبالغ دیگری نیز به عناوین مختلف از قربانی دریافت نموده تا با آن به اصطلاح به قاضی پرونده، کارکنان و مدیر شعبه رشوه یا بنا بر عرف خود، هدیه بدهند تا کار پرونده سریع‌تر به جریان افتاده و منتج به نتیجه موردنظر گردد. در این میان نیز عناصر فاسد شاغل در دستگاه قضایی با دریافت رشوه، یا جریان رسیدگی را تسریع کرده و یا پس از حضور قربانی در شعبه، پیشرفت‌های حاصله در رسیدگی به پرونده را به فرد کلاهبردار نسبت داده و فعالیت وی را پررنگ جلوه می‌دهند. یکی از این علائم کافی است تا افراد قربانی از قرارداد نامشروع خود احساس رضایت کرده و افراد دیگری را نیز به این کلاهبرداران معرفی نمایند. تأسف بارتر زمانی است که عناصر فاسد شاغل در دستگاه قضایی که از این کلاهبرداران، مبالغ مختلفی را در قالب رشوه، هدیه و زیرمیزی دریافت می‌دارند و یا در پرونده‌های معرفی شده به ایشان، به اصطلاح درصد اخذ می‌کنند؛ این گروه از کارچاق‌کنان را به ارباب رجوع و مراجعین معرفی می‌نمایند.

برخی از این کارچاق‌کنان (کلاهبرداران قضایی)، آن چنان دارای نفوذ می‌گردند که بعضی از وکلای نیز برای دستیابی سریع‌تر و سهل‌تر به رای مورد نظر، با این افراد وارد تعامل شده و این وکلای نیز مرتکب جرم و تخلف می‌شوند. از آنجایی که این کلاهبرداران فاقد پروانه وکالت بوده و نمی‌توانند شخصاً وکالت نمایند، ناگزیرند با وکلایی همکاری کنند که یا پرونده‌ای به آنان ارجاع نمی‌شود و یا پرونده‌های بسیار کمی در دست داشته، یا اینکه کارآموز وکالت هستند و یا اینکه تجربه کافی در امر وکالت ندارند. کلاهبرداران قضایی، قراردادهای خود را با قربانیان، با استفاده از نام این وکلا منعقد نموده و فقط درصد بسیار ناچیزی از مبلغ قرارداد را به وکیل مذکور پرداخت کرده و در مقابل بیشترین مبلغ قرارداد را برای خود برمی‌دارند. در مواردی هم که موکل، به دلیل عدم دستیابی به نتیجه‌ی شرط شده، از وکیل شکایت می‌نماید؛ این کلاهبرداران با توجه به اینکه قرارداد وکالت به نام فرد دیگری (وکیل قربانی شده) تنظیم گردیده، از ضمان دعوی مطروحه شانه خالی کرده و وکیل نگون بخت، ضامن جبران خسارت وارده به موکل می‌گردد و اینگونه است که باز هم کارچاق‌کنان به دام قانون گرفتار نمی‌شوند.

گروه سوم: کارکنان فاسد شاغل در دادگاه‌ها و محاکم قضایی بوده که به واسطه ایجاد ارتباط ناسالم با سایر عناصر فاسد شاغل در دستگاه قضایی، به کارچاق‌کنی مبادرت نموده و گروه دیگری از کلاهبرداران قضایی را تشکیل می‌دهند. مجرمین این گروه، معمولاً از طریق واسطه‌های خود، از قبیل کارکنان خدماتی، مأموران انتظامی مستقر در محاکم و اشخاصی خارج از اماکن قضایی، طعمه‌های خود را جذب کرده و به دام می‌اندازند. جالب‌تر آن که این گروه از مجرمین، به دلیل شاغل بودن در مجتمع‌های قضایی و ایجاد رابطه مستقیم با قضات، با انجام سفارش به دیگر همکاران، مدیران دفاتر و یا حتی قضات شعب و معرفی قربانی به عنوان دوست و اقوام خود، مبادرت به اخذ آرا برای قربانیان کلاهبرداری قضایی نموده و از این طریق، اعتماد مراجعین را برای معرفی سایرین به خود افزایش داده و برای خود جذب مشتری و قربانی جدید می‌کنند.

برخی دیگر از این کلاهبرداران قضایی، با تشکیل باندهای مجرمانه که متشکل از برخی کارکنان فاسد و یا حتی قضات فاسد می‌باشد، به کارچاق‌کنی، اخذ رشوه و پورسانت مبادرت نموده و جرایم مختلف و متعددی را مرتکب می‌شوند.

#### پ) قربانیان کلاهبرداران قضایی:

اولین موضوعی که به ذهن خطور می‌نماید آن است که معمولاً قربانیان این گروه از مجرمین، افراد کم سواد و یا ساده و غیرآگاه به مسائل و امور حقوقی می‌باشند؛ اما در واقع چنین نیست. چه بسیار افراد تحصیل کرده و صاحبان مشاغل و افراد مطرح جامعه نیز به دام این قربانیان گرفتار می‌شوند.

داشتن وجهه شغلی و عدم تمایل به حضور در دادگاه‌ها و محاکم از سوی برخی از صاحبان مناصب، باعث می‌شود این افراد طعمه بسیار مناسبی برای کلاهبرداران قضایی و شکارچیان این جرم محسوب شوند. همانگونه که بیان شد برخی از وکلای دادگستری نیز به منظور تضمین در اخذ آرا و دستیابی سریع‌تر به حکم مدنظر موکل، با کارچاق‌کنان ارتباط گرفته

و در دام این مجرمین گرفتار می‌شوند. البته از این مهم غافل نگردیم که برخی از وکلای نیز در باندهای کارچاق‌کنی حضور داشته و عضوی از اعضای باند تبه‌کار محسوب می‌شوند.

گروه عمده‌ی دیگر از قربانیان جرایم در فساد اداری را مردم عامی تشکیل می‌دهند که به واسطه ضعف اطلاعات حقوقی و تمایل به طی کردن راه صد ساله در یک شب، طعمه حاضر و آماده کلاهبرداران قضایی محسوب می‌شوند.

#### ت) آسیب شناسی جرم کلاهبرداری قضایی:

از دیدگاه آسیب شناسی این جرم، معمولاً عوامل ذیل باعث می‌گردد که افراد اقشار مختلف جامعه، در دام این مجرمین گرفتار شوند:

- ۱- عدم آگاهی افراد از مسائل حقوقی و عدم آشنایی آنان با قوانین موضوعه کشور.
- ۲- ساده لوحی قربانیان و فریب آسان ایشان با شنیدن وعده و وعیدهای واهی.
- ۳- مشغله فراوان افراد در جامعه و نداشتن وقت جهت رسیدگی به پرونده‌های قضایی خود؛ که معمولاً این قشر از قربانیان را، افراد تحصیل کرده و یا افراد متمول و مدیران تشکیل می‌دهند.
- ۴- طولانی بودن مراحل دادرسی از زمان تقدیم دادخواست حقوقی و یا شکواییه در امور جزایی تا زمان اجرای حکم. طولانی بودن روند دادرسی را شاید بتوان یکی از مهمترین علل گرایش افراد جامعه به سوی کارچاق‌کنان در نظر گرفت. چرا که کارچاق‌کنان با اعمال نفوذ و کوتاه‌تر کردن زمان دادرسی و اخذ حکم، به سهولت قربانیان خود را شناسایی و جذب می‌کنند.
- ۵- برخورد نامناسب قضات و کارکنان اداری شعب با ارباب رجوع و افراد ذی سمت در پرونده. متأسفانه این برخورد نامناسب با وکلا که در امر دادرسی همانند قضات، دارای استقلال می‌باشند هم صورت می‌گیرد و بسیار تأسف بار است که مشاهده می‌شود حریم وکلا در مجتمع‌های قضایی توسط قضات، کارکنان و یا حتی انتظامات مجتمع‌ها و دادگاه‌ها شکسته می‌شود که به نظر نگارندگان، این موضوع به نوبه خود آفتی جدی برای دستگاه قضا محسوب می‌گردد.
- ۶- رایج شدن جرم ارتشاء (رشوه) در ادارات و سازمان‌ها و به تبع آن در مراجع قضایی و از بین رفتن قبح این گناه در میان برخی از کارکنان و به ندرت در میان قضات.
- ۷- پایین بودن فاحش حقوق و مزایا و دریافتی ماهیانه کارکنان اداری شعب اعم از رسمی، قراردادی و خدماتی و نیاز مالی کارکنان که نهایت موجب ترویج فعالیت کلاهبرداران قضایی (کارچاق‌کن‌ها) در دستگاه قضایی می‌شود.
- ۸- چرب زبانی کارچاق‌کن‌ها و دادن وعده و وعیدهای واهی فراوان به قربانیان.
- ۹- ترویج فرهنگ غلط و غیرقانونی «رابطه» به جای «ضابطه»، که این معضل باعث می‌گردد مراجعین و ارباب رجوع، برای پیگیری امور خود و یا گرفتن پاسخ از کارمند پاسخگو، متوسل به رابطه‌ها، واسطه‌های اداری و کارچاق‌کن‌ها شوند.
- ۱۰- دایر نمودن موسسات حقوقی بدون مجوز به گونه‌ای که مدیر و یا موسس این موسسات ثبت شده، نه تنها وکیل رسمی دادگستری نیستند، بلکه بعضاً مشاهده می‌شود که هیچگونه سابقه فعالیت حقوقی و قضایی و یا حتی اطلاعات حقوقی نیز ندارند.
- قربانیان پس از فریب خوردن و وارد شدن به دفاتر این موسسات غیرقانونی، فریب ظاهر شیک و شلوغ این موسسات را خورده و سهل‌تر، پول‌های خود را به حساب این مجرمین واریز می‌نمایند.
- ۱۱- استفاده از عناوین و مشاغل مجعول و کذب توسط کلاهبرداران قضایی از قبیل: «رئیس دادگستری سابق یا بازنشسته، دادستان اسبق، قاضی بازنشسته، فرماندهان و سرداران نیروهای نظامی و انتظامی (بیشتر نیروی انتظامی و سپاه)، مدیران رده‌های بالای حفاظت اطلاعات و دستگاه اطلاعاتی کشور، مدیران سابق قوه قضاییه یا وزارت دادگستری و...» که این عناوین موهوم و مجعول، به راحتی باعث فریب قربانیان می‌شود.

۱۲- ادعای داشتن روابط نزدیک و صمیمانه با قضات شعب و کارکنان و داشتن همکاران ذی‌نفوذ در دستگاه‌های قضایی و اطلاعاتی کشور که از طریق آنان، پرونده‌ها به سرانجام خواهد رسید که قبلاً هم به آن اشاره گردید.

۱۳- معرفی این مجرمین توسط قربانیان به سایر دوستان و آشنایان که درگیر امور قضایی شده‌اند.

۱۴- دادن تضمین‌های کذب و دروغین به قربانیان برای گرفتن رای و حکم مربوطه توسط این مجرمین؛ زیرا در امر وکالت، وکیل رسمی دادگستری هیچگاه «شرط نتیجه» نکرده و شرطی که وکیل به آن پایبند بوده و رعایت می‌نماید، «شرط فعل» است. باید در نظر داشت که «شرط به نتیجه»، شرط به امری معلق و چه بسا در برخی از موارد شرط به امر غیرممکن است به همین دلیل این شرط از نظر بسیاری از وکلا موضوعیت ندارد. از سوی دیگر حیثیت شغلی هر وکیل مانع از آن خواهد بود که امور واهی را تضمین نماید. وکلا با تخصص و دانش حقوقی خود و با بهره‌گیری از فنون دفاع و بکارگیری ادله اثبات، موجبات احقاق حق موکل خود را فراهم می‌نمایند و به جز گروهی اندک از آنان که به دام کلاهبرداران قضایی و کارچاق‌کن‌ها اسیر می‌گردند، سایر وکلا از این مجرمین دوری می‌کنند. ممکن است بعضی از وکلا از طریق واسطه‌های شاغل در دستگاه قضایی، به برخی از اهداف خود در شعب دادگاه‌ها دست یافته و حتی مرتکب جرم ارتشاء گردند اما سعی می‌کنند در دام کلاهبرداران قضایی گرفتار نشوند، زیرا حداقل از لحاظ حیثیت شغلی، عواقب خطرناکی خواهد داشت.

۱۵- وعده‌ی به جریان انداختن مجدد پرونده‌های دارای رای و قطعی شده در سیستم قضایی و وعده تغییر رای صادره و قطعی شده نیز یکی دیگر از عوامل گرایش قربانیان به سوی کلاهبرداران قضایی می‌باشد.

برخی از پرونده‌های قضایی، پس از صدور رای در دادگاه بدوی و یا دادگاه تجدیدنظر، قطعی شده و از نظر قضایی، تنها راه رسیدگی مجدد به آنها در موعد قانونی و یا شرایط خاص؛ «اعاده دادرسی در امور حقوقی»، مستند به ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و «اعاده دادرسی در امور کیفری» با استناد به ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و همچنین «اعاده دادرسی با توجه به اختیارات رئیس محترم قوه قضاییه» مستند به ماده ۴۷۷ قانون اخیرالذکر می‌باشد، در غیر این صورت به اجرای احکام و یا بایگانی شعب انتقال می‌یابند. از دیدگاهی دیگر نیز بعضی از پرونده‌های راکد یا به اصطلاح، سوخته وجود دارد که کارچاق‌کنان با ادعای به جریان انداختن مجدد آنها، دام پر زرق و برقی برای قربانیان خود پهن می‌نمایند.

ادعای دیگر این مجرمین، به نتیجه رساندن پرونده‌های غیر ممکن است. این ادعا با دورنمای بسیار فریبنده، مستمسک بسیار مناسبی برای فریب قربانیان می‌باشد.

۱۶- عدم آموزش صحیح کارکنان دستگاه قضایی نیز از دیگر علل شیوع کلاهبرداری قضایی می‌باشد.

۱۷- عدم وجود نظارت مستمر و قوی بر روی کارکنان و قضات.

هر چند که نمایندگان و رابطین حفاظت اطلاعات قوه قضاییه در تمامی مراجع قضایی و حتی شوراهای حل اختلاف مستقر می‌باشند ولی عملکرد این رابطین حفاظتی، بیشتر بر پایه اخذ گزارش و شکایت مردمی استوار است تا نظارت مستمر بر عملکرد کارکنان.

البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که از سال ۱۳۹۲، با دستور رئیس محترم قوه قضاییه، این قوه کمر همت بسته و برخی از قضات و کارکنان متخلف و خاطی را شناسایی و با آنان برخورد قضایی نموده است؛ اما استمرار این حرکت یعنی درمان دستگاه قضایی، چه آنکه برخورد مقطعی با این تخلفات، صرفاً به منزله داروی مسکنی است که درد را در کوتاه مدت کاهش داده و پنهان می‌نماید و اثر درمان مقطعی نداشته و پس از رفع اثر دارو، بیماری و درد، دوباره عود می‌نماید.

ث) جرایم ارتكابی کلاهبرداران قضایی و واسطه‌های آنان در محاکم قضایی و مجازات‌های این جرایم:

در جرم‌انگاری این بحث لازم است تا مجرمین به سه گروه مجزا تقسیم و جرم هر گروه به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

### گروه اول: کلاهبرداران قضایی (کارچاق کنان):

مجرمین این گروه مرتکب جرایم ذیل می گردند:

۱) غصب یا جعل عنوان قضایی، غصب یا جعل عنوان وکیل دادگستری و یا مقامات نظامی، انتظامی و اطلاعاتی:  
 ۱-۱) با توجه به ماده ۵۵ قانون وکالت: «هر فردی که فاقد پروانه رسمی وکالت بوده و ادعای وکالت نماید یا مدعی مشاور حقوقی و عناوین مرتبط بوده و چنانچه خود را مجاز در امر وکالت معرفی کند به حبس از یک الی شش ماه محکوم خواهد شد».

۲-۱) همچنین با استناد به ماده ۵۵۵ قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵: «هر کس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشگری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد یا معرفی کند به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد».

### ۲) جرم «اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی»:

کلاهبرداران قضایی علاوه بر غصب و جعل عناوین قضات و وکلا، مرتکب عنوان مجرمانه «اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی» نیز می گردند، زیرا این مجرمین، خود را ذی نفوذ در دستگاه قضایی معرفی نموده و به واسطه همین موضوع، مدعی اخذ رای به نفع قربانی خود می باشند.

برای این عنوان مجرمانه، قانونی در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۱۵ به مجلس ملی وقت تقدیم گردید و «قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی» تصویب شد. مستند به این قانون، چنانچه فردی با ادعای اینکه اعتبار و نفوذی نزد مأموران دولتی، شهرداری ها و مأموران دستگاه های دولتی دارد، وجه نقد یا منافع را تحصیل نماید و تعهدی از کسی بگیرد، علاوه بر این که ملزم به رد مال می شود، به ۶ ماه تا ۲ سال حبس و جزای نقدی محکوم می گردد.

ملاحظه می شود این معضل، از سالیان دور گریبان دستگاه های دولتی و قضایی را گرفته تا آنجایی که قانونگذار را ناگزیر به تدوین و تصویب قانونی جهت برخورد با این افراد نموده است و نظر به اینکه مصادیق این عنوان مجرمانه، منافاتی با شرع مبین اسلام و جرایم معینه توسط قانونگذار اسلامی نداشته است، این قانون همچنان دارای اعتبار بوده و احکام و آرای فراوانی با استناد به آن در دادگاه های جزایی کشورمان صادر شده و صادر می گردد.

### ۳) کلاهبرداری:

علاوه بر جرایم یاد شده، مهمترین و شاید سنگین ترین جرمی که این گروه از مجرمین مرتکب می شوند، «کلاهبرداری» می باشد و به همین سبب است که از کارچاق کنان، با عنوان «کلاهبرداران قضایی» یاد کرده ایم.  
 قانونگذار در قانون «تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام عنوان می دارد:

ماده ۱) هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت ها یا تجارتخانه ها یا کارخانه ها یا موسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا ... و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات ... و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود...»

به نظر می رسد این عنوان مجرمانه، مناسب تر به حال کارچاق کنان بوده و مجازات شدیدتری را برای آنان در نظر گرفته است، زیرا در جرم انکاری عمل این افراد:

۱-۳) این مجرمین با ادعای واهی و اتخاذ و به کارگیری ابزار متقلبانه از قبیل داشتن اختیارات واهی و دارا بودن عناوین قضایی و سایر عناوین مجعول و موهوم، قربانیان خود را فریب می دهند.

۲-۳) قربانیان نیز به واسطه اتخاذ ابزار متقلبانه توسط این مجرمین، فریب خورده اند.

۳-۳) مال قربانی توسط مجرم برده شده و مجرم از طریق غیرقانونی و نامشروع، اموال قربانیان را تحصیل کرده است. لذا ارکان سه گانه جرم کلاهبرداری در اعمال این مجرمین محرز می گردد.

۴) ارتشاء:

یکی از جرایمی که در شرع مبین اسلام نیز حرام گردیده و شارع مقدس، آن را به عنوان گناه و جرم معرفی نموده است، «ارتشاء» یا به اصطلاح عام، «پرداخت و دریافت رشوه» می باشد. مطابق شرع مبین اسلام، هم «راشی» و هم «مرتشی» در این عنوان مجرم بوده و باید مجازات شوند. در حقیقت این جرم از دسته جرایمی است که هم «رشوه دهنده» و هم «رشوه گیرنده» مجرم بوده و هر دوی آنها باید مجازات گردند.

قانونگذار اسلامی برای راشی و مرتشی تعزیر در نظر گرفته که مستند به قانون «تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری» هر کس که مرتکب این جرم گردد اعم از رشوه دهنده یا رشوه گیرنده، علاوه بر رد مال (رشوه) و جزای نقدی به میزان مال مأخوذه، به حبس و شلاق محکوم خواهد شد و علاوه بر آن با استناد به تبصره ۲ ماده ۳ قانون یاد شده، «مال ناشی از ارتشاء به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد».

در مواد ۵۸۸ لغایت ۵۹۴ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ نیز، قانونگذار به تشریع مجازات افراد و اشخاص درگیر در جرم ارتشاء پرداخته و مجازات هریک از «داوران، ممیزان، کارشناسان، قضات و حکام محاکم، مستخدمین یا مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری، واسطین و معاونین ارتشاء را به عنوان مرتشی و اشخاص رشوه دهنده را به عنوان راشی» تعیین نموده است. در مواد یاد شده، قانونگذار بسته به نوع جرم و شخص مجرم؛ با حبس های تعزیری، جزای نقدی، ضبط مال (رشوه اخذ شده) به نفع دولت و تا ۷۴ ضربه شلاق مجازات مرتکبین به رشوه را تعیین و تشریع نموده است. لذا کلاهبرداران قضایی که در مسیر روند کارچاق کنی پرونده های قضایی، به اشخاص مذکور، رشوه دهند؛ «راشی» محسوب شده و مجازات خواهند شد و مجازات «مرتشی» نیز به شرح فوق ذکر گردید.

در برخی موارد نیز کلاهبرداران قضایی، قربانیان را راساً ملزم به پرداخت رشوه به مرتشی های مذکور می کنند و اخذ حکم را صرفاً از این طریق مهیا می دانند و فرد قربانی ناگزیر و ناچار به پرداخت رشوه می شود. البته شارع مقدس، در این جرم استثنایی هم قائل شده و رشوه دهنده ای که برای احقاق حق خود، ناگزیر به پرداخت رشوه شده و در شرایط اضطراری رشوه پرداخت کرده و یا آن را گزارش نموده و شکایت کرده است را از مجازات معاف و در این حالت فقط رشوه-گیرنده و اشخاصی که باعث تحقق جرم ارتشاء شده اند، به مجازات محکوم خواهند شد. این موضوع در قوانین جزایی موضوعه کشورمان نیز تصریح شده و در مواد ۵۹۱ و تبصره ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ به آن پرداخته شده است. در شرایط اکراه در جرایم تعزیری نیز، «مکره»<sup>۴</sup> با استناد به ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ از مجازات اصلی معاف شده و «اکراه کننده» به مجازات فاعل جرم تعزیری محکوم خواهد شد.

در پایان تبیین جرم و مجازات گروه کلاهبرداران قضایی، ذکر این نکته ضروری است که به دلیل تعدد جرم این مجرمین، مجازات هر جرم جداگانه صادر شده و در صورت ارتکاب جرایم مشابه، مرتکب به اشد مجازات همان جرم محکوم می گردد. لازم به ذکر است در این خصوص ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و تبصره های ذیل آن که در زمره قانون آمره محسوب می شود اجرا خواهد شد.

**گروه دوم) کادر قضایی و کارکنان اداری شعب اعم از مدیران دفاتر و سایر کارمندان وکلای مختلف:**

همانگونه که قبلاً نیز بیان شد، برخی از کارکنان اداری شعب و تعداد اندکی از قضات و وکلا، با این کلاهبرداران قضایی همکاری نموده و این گروه از یادشدگان مرتکب جرایم ذیل می گردند:

۱) کلاهبرداری:

<sup>۴</sup> به ضم میم و فتح راء؛ اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید، به معنای شخصی که اکراه شده است

افراد یاد شده در این گروه با استناد به بخش اخیر ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام به مجازاتی شدیدتر از افراد عادی محکوم خواهند شد. در بخش اخیر ماده مذکور آمده است: «... در صورتی که شخص مرتکب برخلاف واقع عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت‌های دولتی یا شوراهای یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادهای و موسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کرده یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسایل ارتباط جمعی... صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا موسسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت ... و یا بطور کلی از قوای سه گانه و... باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از ۲ تا ده سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود». این گروه از مجرمین ممکن است مستقیماً جرم کلاهبرداری را انجام نداده باشند اما در این جرم، با کلاهبرداران قضایی مشارکت نموده و به نوبه خود، شریک یا معاون جرم محسوب گشته و مجازات می‌شوند.

## ۲) ارتشاء:

دومین جرم ارتكابی این گروه که شاید بارزترین جرم این گروه نیز باشد، ارتشاء است. این دسته از کارکنان یا قضات متخلف، پس از اخذ رشوه از کارچاق‌کنان (کلاهبرداران قضایی)، در حکم رشوه گیرنده (مرتشی) محسوب شده و مطابق ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجازات می‌شوند. در این ماده آمده است: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراهای یا ... و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید. در حکم مرتشی است اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آنکه مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آن که در انجام یا عدم انجام آن موثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می‌شود.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیرکل یا همپراز مدیرکل یا بالاتر باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از این مبلغ تا دویست هزار ریال از یک سال تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیرکل یا همپراز مدیرکل یا بالاتر باشد به جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین‌تر از مدیرکل یا همپراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

علاوه بر آن و همانگونه که در بحث سابق بدان اشاره شد، در مواد ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۳ و ۵۹۴ از قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵، نیز جرم ارتشاء و مجازات‌های مرتشی و راشی تعیین شده است. وکلای متخلف در این گروه از مجرمین در حکم راشی محسوب شده و به مجازات مربوط به این جرم محکوم می‌گردند و همانگونه که قبلاً نیز ذکر شد با استناد به تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «مال ناشی از ارتشاء به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد».



نکته قابل ذکر دیگر آنکه اگر، کارچاق کنان (کلاهبردار قضایی) با همکاری کارکنان شعب یا قضات یا وکلا، باند یا شبکه یا گروه ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری دایر نمایند مطابق ماده ۴ قانون یاد شده مجازات می گردند. در این ماده آمده است: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود».

### گروه سوم) افرادی که قربانی کلاهبرداران قضایی می شوند:

سومین گروهی که در جریان کارچاق کنی مرتکب جرم شده و مجرم محسوب می گردند، افرادی هستند که در جریان اقدامات کلاهبرداران قضایی، قربانی این جرم شده و مال خود را از دست داده اند. این افراد از یک سو قربانی جرم کلاهبرداری هستند و از سوی دیگر مرتکب جرم ارتشاء گشته و «راشی» محسوب می شوند. این گروه به واسطه رشوه ای که از مال خود به «فرد یا افراد مرتشی» در دستگاه قضایی می دهند، مجرم بوده و همانگونه که سابقاً نیز بیان شد، مجازات خواهند شد و مال ناشی که از رشوه ای که پرداخت کرده اند به نفع دولت ضبط شده و چنانچه بدین واسطه، امتیازی کسب کرده باشند، آن امتیاز لغو خواهد شد و همچنین مجازات تعزیری نیز در انتظار این افراد می باشد. این تعزیر ممکن است حبس یا جزای نقدی باشد. البته شرایط اضطرار و اکراه را در اشخاص راشی بررسی کردیم که از تکرار مکرر آن خودداری می شود.

۲.۳. آیا لازم است برای جرم کلاهبرداری قضایی (کارچاق کنی)، جرم انگاری جدیدی صورت پذیرد؟  
 با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، تنها اعمالی جرم محسوب می شوند که قانون از آنها به عنوان «جرم» یاد کرده باشد در غیر این صورت عمل مذکور جرم نیست.

در قوانین موضوعه کشور عزیزمان، ایران، عبارت «کارچاق کنی» به خودی خود و فی نفسه در زمره جرایم قرار ندارد ولی زمانی که از لفظ «کارچاق کن» یا «کلاهبرداران قضایی» استفاده می نماییم، جرایم «کلاهبرداری، ارتشاء، جعل یا غصب عنوان و ادعای اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی» به ذهن متبادر می گردد که هر یک، مصداق بارز جرم بوده و در قوانین جزایی موضوعه کشورمان، دارای مجازات می باشند. لذا به نظر می رسد جرم انگاری جدیدی با این موضوع ضروری نبوده و نیست، زیرا جرم یاد شده، ترکیبی از جرایم می باشد و همانگونه که پیش تر بیان شد؛ با رعایت ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و تبصره های ذیل آن، تعدد جرم، تعدد مجازات را نیز در پی خواهد داشت.

### ۳. نتیجه گیری:

هر چند که فساد اداری، کارچاق کنی و کلاهبرداری قضایی در دستگاه قضایی و اجرایی کشورمان ریشه دوانیده است؛ لیکن امکان ریشه کن کردن این جرایم در کشور غیرممکن نبوده و نیست. مجرمین جرایم موضوع بحث این مقاله، از مجازات های قانونی مندرج در قوانین موضوعه، واهمه ای نداشته و بی محابا مرتکب مصادیق متعدد فساد اداری و جرم کلاهبرداری قضایی و کارچاق کنی می شوند. با این وصف، به نظر می رسد مجازات های موجود دارای قدرت بازدارندگی کافی نبوده و ترس از مجازات نیز در این دسته از مجرمین وجود ندارد. با آسیب شناسی انجام شده، منشاء فساد اداری و در صدر آن، کارچاق کنی و کلاهبرداری قضایی، در داخل دستگاه قضایی ریشه دار شده و ابتدا باید عناصر فاسد در دستگاه قضایی توسط مبادی ذیربط از قبیل حفاظت اطلاعات قوه قضاییه شناسایی شده و ضمن تشکیل پرونده قضایی، محاکمه آنها در کوتاه ترین زمان ممکن در دادگاه های کیفری صورت گرفته و به اشد مجازات محکوم شده و از دستگاه عادلانه قضایی،



پاکسازی شوند. برخی از مجرمین شاغل در دستگاه قضایی، به صورت انفرادی مرتکب کارچاق کنی شده و برخی دیگر که به نظر می‌رسد در اکثریت قرار داشته باشند با تشکیل باندهای مجرمانه مرتکب مصادیق مختلف فساد اداری می‌شوند که از منظر تشکیل باندهای فساد اداری نیز قابل پیگرد قانونی و مجازات خواهند بود.

عده‌ی دیگری از کلاهبرداران قضایی، خارج از بدنه دستگاه قضایی بوده و شغل و یا سمتی در محاکم و دادگاه‌ها نداشته و یا در حال حاضر ندارند. گروهی از عناصر اخراج شده از دادگستری و یا بازنشستگان که دارای رابطه‌هایی در دادگستری می‌باشند نیز به عنوان عناصر خارج از دستگاه قضا، مرتکب جرم می‌شوند و گروه دیگری از کلاهبرداران قضایی، هیچگاه در دادگستری شاغل نبوده ولیکن دارای روابط ناسالم با عناصر خاطی در داخل محاکم می‌باشند و اغلب رابطین آنها، کارکنان خاطی شاغل بوده و به ندرت نیز قضات خاطی با این دسته از کارچاق کنان در ارتباط هستند.

گروه آخر از کلاهبرداران قضایی که در معنای واقعی «شیاد» می‌باشند؛ بدون آن که با عناصر فاسد و خاطی در بدنه دادگستری ارتباطی داشته باشند، مبادرت به شناسایی طعمه‌ها و قربانیان نموده و با دریافت وجوه قابل توجهی، بدون آن که هیچ قدمی بردارند، مرتکب جرم کلاهبرداری شده و متواری می‌شوند. این شیدان کلاهبردار، حتی رابطه‌ای با کارکنان خاطی شاغل در دستگاه قضایی نداشته و کلاهبردار قضایی خاص در این دسته از جرایم محسوب می‌شوند که شناسایی و مجازات این گروه از مجرمان نیز، به نوبه خود باعث ایجاد دلگرمی در میان مراجعین به محاکم و دادگاه‌ها شده و ذهن آحاد جامعه را از مراجعه به شیدان برحذر می‌دارد.

از سوی دیگر لازم است مراجعین به دستگاه قضایی تفهیم شوند که روال قضایی باید در چارچوب خاص انجام شود و ارجاع کار به کارچاق کنان، بار مسئولیت کیفری را برای آنان نیز در پی خواهد داشت. اگر مردم به این درک برسند که این مجرمین خطرناک، نه تنها قادر نیستند مشکلات قضایی آنان را حل نمایند، بلکه مشکلی بر مشکلات آنان نیز خواهند افزود، دست این مجرمین کوتاه شده و بسیاری از سودجویان و فرصت طلبان خانه نشین می‌شوند و دستگاه قضایی نیز می‌تواند با عدالت محوری تام به مشکلات قضایی ارباب رجوع رسیدگی نماید. همچنین اگر زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی مراجعین کوتاه شود و اطاله دادرسی به عنوان معضلی، گریبان مراجعین را نفشارد؛ به خودی خود، ارجاع امر به کارچاق کنان که وعده تسریع در رسیدگی را به قربانیان می‌دهند کمتر شده و دست این فاسدین کوتاه خواهد شد. در پایان پیشنهاداتی در راستای مبارزه با کارچاق کنی و کلاهبرداری قضایی تقدیم می‌شود.

#### ۴. پیشنهادات اجرایی در راستای مبارزه با جرم کلاهبرداری قضایی:

عدم برخورد قاطع دستگاه قضایی با کارچاق کنی، چه در رژیم گذشته و چه در حال حاضر، باعث تنومند شدن بدنه این جرم و ریشه دواندن این جرم در دستگاه‌های دولتی و قضایی شده است. برخوردهایی که هر از چند گاه توسط قوه قضاییه نیز صورت می‌گیرد، آبی نیست که این آتش را خاموش نماید، هرچند که روند فعالیت مجرمان را با اختلال مواجه کرده است؛ ولی به مثابه داروی مسکنی است که به بیمار داده شده و فعالیت این دسته از مجرمین را به همراه فعالیت رابطین آنها در دستگاه قضایی موقتاً کند نموده و پس از آنکه برخوردها با برخی از عناصر متخلف به پایان رسید و آنها از آسیاب افتاد، مجدداً فعالیت این گروه از مجرمین شدت بیشتری می‌یابد. با نصب تابلو و پارچه بر سر درب اماکن قضایی و درج عبارت «ورود کارچاق کنان ممنوع» نیز هیچیک از این مجرمین نترسیده و منعی در فعالیت آنان ایجاد نمی‌نماید، کنترل شدید مراجعین در بدو ورود به مجتمع‌های قضایی نیز درمان نیست هرچند که موجب خلوت شدن محاکم می‌گردد ولی صرفاً نارضایتی را در بین ارباب رجوع و مراجعین ایجاد کرده و اعتراضات مردمی را در پی خواهد داشت و از سویی دیگر معذور عناصر فاسد شاغل در دستگاه قضایی، قربانیان را به طرق دیگری به کلاهبرداران قضایی متصل می‌نمایند. برای کم کردن آثار این جرم در جامعه و سپس حرکت به سوی ریشه کن کردن آن در کشور لازم است:

- ۱- حفاظت اطلاعات قوه قضاییه به طور مستمر از طریق رابطین مستقر در کلیه اماکن قضایی، نسبت به شناسایی و دستگیری کلاهبرداران قضایی و کارکنان، قضات و وکلای خاطی اقدام نماید.
- ۲- دستگاه قضایی و شعب جزایی مربوطه بدون اغماض، با جدیت و بدون توجه به شهرت و روابط این مجرمین در قوه قضاییه، نسبت به محاکمه و صدور حکم محکومیت آنان اقدام نمایند.
- ۳- رسیدگی به پرونده‌ها و جرایم این گروه از مجرمین، بدون تسامح و با حداکثر سرعت انجام شده و در حداقل زمان، حکم محکومیت آنان صادر و اجرا گردد.
- ۴- قوه قضاییه با جدیت و از طریق اطلاع رسانی، نسبت به معرفی این افراد و اعلام حکم محکومیت یاد شدگان، جهت اطلاع عموم اقدام نماید.
- ۵- قوه قضاییه نسبت به آموزش صحیح کارکنان در بدو استخدام و همچنین به صورت مستمر و ادواری اقدام نموده و ضمن معرفی این جرم، آموزش‌های حفاظتی لازم را به کلیه کارکنان ارائه نماید.
- ۶- نظارت مستمر بر کارکنان در محیط کار، در سرلوحه امور مربوط به کارکنان قرار گرفته تا از این طریق، کارکنان متخلف نیز فرصت ارتکاب این جرم را نیافته و در حقیقت اجرای جرم عقیم بماند.
- ۷- تدبیری اندیشیده شود تا زمان رسیدگی به پرونده‌ها کوتاه‌تر شده و از اطلاع دادرسی پرهیز شود.
- ۸- با افزایش سطح حقوق، دستمزد و مزایای کارکنان، تدبیری اتخاذ گردد که کارکنان نیز به دلیل ضعف و نیاز مالی، به این جرم و جرایم مشابه گرایش نیابند.
- ۹- دستگاه قضا (قوه قضاییه) و قوه مجریه، از طریق اطلاع رسانی اعم از جرایم، مطبوعات، صداوسیما ملی و محلی، چاپ و بروشور و... نسبت به معرفی این جرم و مجازات آن به آحاد افراد جامعه اقدام نمایند و راه‌های پیشگیری و یا برخورد با این واقعه مجرمانه را به مردم جامعه آموزش دهند.
- ۱۰- از طریق افزایش سطح بینش حقوقی مردم، آنان را ترغیب به معرفی این گروه از مجرمین به مبادی ذیربط نمایند.
- ۱۱- ضمن برگزاری دوره‌های آموزش قضات، آنان را نیز موظف به پیگیری و نظارت مستمر بر رفتار کارکنان نمایند.  
و اما مردم که قربانیان کلاهبرداران قضایی هستند، لازم است:
- ۱- اطلاعات حقوقی خود را با مطالعه متون حقوقی و قانون افزایش دهند.
- ۲- در امور حقوقی و قضایی خود با وکلای رسمی دادگستری مشورت نموده و از مشورت کردن با افراد غیر وکیل اجتناب کنند، زیرا مشورت با کلاهبرداران قضایی آغاز شومی بر امور حقوقی و قضایی آنان بوده که در نهایت موجب فریب ایشان شده و قربانی کلاهبرداری و شیادی این افراد مجرم می‌گردند.
- ۳- پس از معرفی به دفاتر حقوقی و قبل از انجام مشاوره و یا عقد قرارداد با این افراد، از طریق سایت‌های کانون وکلا و یا مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه، از وکیل بودن این افراد، اطمینان حاصل نمایند.
- ۴- در زمان انعقاد قرارداد در موسسات حقوقی، دقت نمایند که قرارداد به نام شخص مشاور که الزاماً باید وکیل دادگستری باشد، تنظیم شده و با شخص وکیل قرارداد منعقد کنند نه با اسم موسسه یا دفتر حقوقی و یا اشخاص دیگر.
- ۵- در صورت برخورد با این افراد شاید، بلافاصله آنان را به حفاظت اطلاعات قوه قضاییه یا کانون‌های وکلا و مراکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه، معرفی نموده تا از آن طریق نسبت به شناسایی، پیگیری و دستگیری این مجرمین از طریق دستگاه قضایی اقدام گردد.

## مراجع

۱. اله وردی، فرهاد، (۱۴۰۰)، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ سوم، تهران: مجد
۲. امیری، فیروز، (۱۳۹۶)، پیشگیری جنایی از فساد مالی و جرایم اقتصادی، تهران: قانون یار.

۳. حبیب زاده، محمدجعفر، (۱۳۹۹)، تحلیل جرم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، تهران: دادگستر.
۴. زینالی، توحید، (۱۳۹۵)، جرایم رشاء و ارتشاء در رویه دادگاه‌ها، تهران: چراغ دانش.
۵. صیدی، مهدی، (۱۴۰۰)، نقشه راه مقابله با فساد اقتصادی در کلام ولایت، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
۶. عابدی، احمدرضا، (۱۴۰۰)، نگرشی کاربردی به حقوق جزای عمومی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۷. عباس زادگان، سیدمحمد، (۱۳۸۳)، فساد اداری، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۸. عزتی لطف، بهزاد؛ طالبی، جلال. (۱۳۹۸)، محشای مجموعه قوانین و مقررات مجازات اسلامی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۹. قبله ای خوبی، خلیل، (۱۳۸۸)، آیات الاحکام (حقوق مدنی و جزایی)، تهران: سمت.
۱۰. گلدوزیان، ایرج، (۱۴۰۰)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: مجد.
۱۱. محمدزاده، شهرام، (۱۳۹۹)، مطالعه موردی کلاهبرداری، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۱۲. میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۹)، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)، تهران: میزان.
۱۳. میرمحمدصادقی، حسین؛ اله وردی، فرهاد، (۱۳۹۹)، کلاهبرداری و جرایم در حکم کلاهبرداری، تهران: دادبخش.
۱۴. ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۸)، بایسته های حقوق جزای عمومی (اول، دوم و سوم)، تهران: جنگل.
۱۵. لغت نامه دهخدا.
۱۶. فرهنگ لغت عمید.
۱۷. قرآن کریم، سوره مبارکه اعراف، آیه شریفه ۸۵.
۱۸. قرآن کریم، سوره مبارکه انبیاء، آیه شریفه ۲۲.
۱۹. قرآن کریم، سوره مبارکه بقره، آیات شریفه ۱۱ و ۱۲؛ ۲۷ و ۲۰۵.
۲۰. قرآن کریم، سوره مبارکه روم، آیه شریفه ۴۱.
۲۱. قرآن کریم، سوره مبارکه شعرا، آیات شریفه ۱۸۱-۱۸۳.
۲۲. قرآن کریم، سوره مبارکه ص، آیه شریفه ۲۸.
۲۳. قرآن کریم، سوره مبارکه قصص، آیه شریفه ۸۳.
۲۴. قرآن کریم، سوره مبارکه مائده، آیه شریفه ۳۳.
۲۵. قرآن کریم، سوره مبارکه مطففین
۲۶. قرآن کریم، سوره مبارکه هود، آیه شریفه ۸۵.
۲۷. قرآن کریم، سوره مبارکه یوسف، آیه شریفه ۷۳.
۲۸. قرآن کریم، سوره مبارکه یونس، آیه شریفه ۹۱.
۲۹. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، مصوب ۱۳۸۵/۰۳/۲۱
۳۰. قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب سال ۱۳۷۹.
۳۱. قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب سال ۱۳۹۲.
۳۲. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مصوب سال ۱۳۶۷، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳۳. قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب سال ۱۳۷۵.
۳۴. قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲.
۳۵. قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، مصوب ۱۳۱۵/۰۹/۲۹
۳۶. قانون ممنوعیت اخذ هرگونه رشوه و پورسانت مصوب سال ۱۳۷۱
۳۷. قانون وکالت، مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵
۳۸. بای، حسینعلی، (۱۳۹۰)، افساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض کیست؟، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۳۹۰، ۹.
۳۹. حاجیان، حسن، (۱۳۹۱)، قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد و تهدیدها و فرصت‌های آن برای اعضای شاغل در جامعه حسابداران، دو ماهنامه حسابرس، شماره ۶۳.
۴۰. محمدزاده، اکرم؛ بیگی، جمال؛ احدی، فاطمه، (بهار ۱۴۰۱)، مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی در ایران، فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱.
۴۱. نهادهای حاکمیتی شفافیت و مبارزه با فساد در ایران، گزارش کارشناسی از ساختار و عملکرد اجزای مختلف حاکمیت سه قوه، (۱۳۹۷)، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
۴۲. پایگاه اطلاع سانی اندیشکده شفافیت برای ایران، tp4.ir
۴۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، makarem.ir، مفسدان فی الارض از دیدگاه قرآن.
۴۴. فرمان ۸ ماده ای رهبر معظم انقلاب به سران سه قوه مبنی بر مبارزه با فساد اداری، ۱۳۸۰/۰۲/۱۰
۴۵. خوش سلوک، مهران، (۱۳۹۳/۱۰/۲۸)، کلاهبرداران قضایی چه کسانی هستند؟، مصاحبه، خبرگزاری جمهوری اسلامی (IRNA)، کدخبر: ۸۱۴۶۵۵۴.
۴۶. خوش سلوک، مهران، (۱۳۹۴/۰۴/۳۰)، در دام کارچاق کن‌ها نیفتید، مصاحبه، خبرگزاری جمهوری اسلامی (IRNA)، کدخبر: ۸۱۶۸۹۳۳۴.
۴۷. خوش سلوک، مهران، (۱۳۹۵/۰۴/۲۱)، پرونده‌هایی که چاق نمی‌شود، پولی که دود می‌شود، مصاحبه، آفتاب جنوب، aftabjonoub24.ir

48. bartarlawyers.com

49. rahjooyan.org

50. 2004 Thomas- West Publisher, Black`s Law Dictionary, Garner (Bygan A)

## Systemic corruption and escape from justice: examining the criminal title of judicial fraud

**Meysam Mehri**

Master's degree in Intellectual Property Law, Farabi Campus, University of Tehran, attorney at law

**Dr. Mehran khoshsolook**

PhD in law, member of the faculty of Methodologica Governance University, France, attorney at law

### Abstract

In civil society, people live with each other and by each other's side, and for sure, each person has responsibilities that are influential in the judicial relations of people, and in case of non-fulfilment of responsibility, the first victim will be the responsible person. One of these recent problems that has spread in the world community and its territory is not specific to a specific country or territory; It is "administrative corruption". Today, the scope of this corruption is more than other crimes and is much more concrete and has a multifaceted nature. Administrative corruption as a global phenomenon has penetrated into all aspects of human life and imposes its effects and consequences on people every day in various ways. Even those who commit such behaviors themselves, in the end, are victims of circumstances that surround them and trap them. Administrative corruption is one of the elements that is not only considered as a violation in administrative affairs; Rather, in its macro dimensions, it is also considered as an obstacle for the growth and development of societies, and it leaves traces that have been criminalized by the legislator. Therefore, different systems and societies have tried to deal with it by rooting and establishing criminal laws. There are many examples of administrative corruption, and phenomena such as "influence peddling" and "intermediation" in administrative and judicial affairs have penetrated into most of the administrative, governmental and judicial institutions. Therefore, a concrete need prompted us to deal with one of the criminal examples of administrative corruption in this research and to analyze the criminal phenomenon of "influence peddling" and its perpetrators as "judicial fraudsters" and to punish each of them. Perpetrators should be stated according to the type of crime committed.

**Keywords:** influence peddling, mediation, judicial fraudsters, corruption, crime